

چالش‌های اخلاقی در مشاوره و حل آن

محمد رضا سالاری فر*

چکیده

این تحقیق چالش‌های اخلاقی مشاوره و راه‌های حل آن را بررسی می‌کند. چالش اخلاقی مشاور؛ موقعیتی بالینی است که هیچ گزینه‌ای برای آن رضایت‌بخش به نظر نمی‌رسد، و مشاور به عنوان فاعل اخلاقی هم‌زمان دو یا چند وظیفه اخلاقی نسبت به مراجع دارد که هر کدام به تنهایی وظیفه او است، ولی به دلیل هم‌زمانی نمی‌تواند همه آن‌ها را انجام دهد. روش تحقیق شامل دو رویکرد رعایت اصول و نظریه‌های اخلاقی و در نظر گرفتن همه ابعاد در یک مورد جزئی است که آن موازنه متفکرانه نامیدند. همچنین از آنجا که مشاور با رفتار مراجع سر و کار دارد؛ در فرهنگ اسلامی ایران؛ باید توصیه‌های رفتاری از جمله حل چالش اخلاقی در چارچوب فقهی ارائه گردد. بر اساس یافته‌های تحقیق؛ حل یک چالش اخلاقی در مشاوره شامل شش گام است. این روش برای حل ده نوع چالش اخلاقی زیر در مشاوره به کار گرفته شد: پذیرش یا ادامه مشاوره با یک مراجع، مسایل جنسی، دینداری، اختلالات روانی و آزمون‌ها مسایل قانونی، مشاوره ازدواج، زوج‌درمانی، خیانت، طلاق و مشاوره کودک.

کلیدواژه‌ها: چالش اخلاقی، مشاوره، حل، موازنه متفکرانه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار و مدیر گروه خانواده پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. (msalartifar@rihu.ac.ir)

مقاله علمی پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶)

مقدمه

در مشاوره، مواردی پیش می‌آید که متخصصان بالینی بین چند گزینه رقیب مردد می‌شوند و به تعبیری دچار تعارض اخلاقی می‌گردند. «تعارض اخلاقی»^۱ موقعیتی است که فاعل اخلاقی هم‌زمان دو یا چند وظیفه اخلاقی دارد که هر کدام به تنهایی وظیفه او است، ولی به دلیل هم‌زمانی نمی‌تواند همه آن‌ها را انجام دهد (بوسلیکی، ۱۳۹۱، ص ۶۱). در تعارض اخلاقی، فرد در برابر رفتاری قرار می‌گیرد که انجامش از جهتی نادرست و ترک آن نیز از جهت دیگر نارواست. تحلیل مفهومی نشان می‌دهد دوراهی‌های اخلاقی صورتی خاص از تعارض‌های اخلاقی‌اند که در آنها عامل، به لحاظ محدودیت انتخاب، دچار بلا تکلیفی می‌شود یا خود را ناگزیر از ارتکاب خلاف اخلاق و گناه، پیامدهای ناخوشایند روانی آن می‌بیند.

معضل اخلاقی مشکلاتی است که هیچ گزینه‌ای برای آن کاملاً رضایت بخش به نظر نمی‌رسد، چون دلایل خوب اما مغایری وجود دارد که به اقدام‌های ناهماهنگ و متضادی منجر می‌شود (کیچنر^۲، ۲۰۰۰). چالش‌های اخلاقی^۳ به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. چالش‌های عملی ناظر به انحرافات اخلاقی است که در مقام عمل به وجود آمده است؛ ۲. چالش‌های نظری؛ ناظر به ابهام نظری است که فاعل اخلاقی نسبت به حکم دارد و نمی‌داند وظیفه او چیست. ابهام نظری گاه در مورد یک حکم و گاه دو حکم که با هم

-
1. Moral conflict
 2. Kitchener
 3. Ethical challenges

تعارض دارند و ترجیحی ندارد، البته هر کدام از حکم‌ها به تنهایی برای فاعل اخلاقی روشن است. تعارضات نظری اغلب در دو سطح ارزش‌داوری یا تشخیص تکالیف اخلاقی (تعارض فضایل) و عمل به تکالیف و مسئولیتهای اخلاقی (تزامم فرائض)، مورد توجه قرار می‌گیرد (بهرامی و قراملکی، ۱۳۹۱، ۳۲).

تجربیات ما پر از تعارضات و تنگناهای داوری‌ناپذیر اخلاقی^۱ است زیرا گزینه‌های ما همیشه بین یک امر خوب یا بد ساده و داوری‌پذیر و روشن، نیست، بلکه انتخاب بین خوب و خوب یا دو بد یا دو چیز کمتر بد است که داوری در مورد آنها آسان نیست. این‌گونه موارد حیرت‌زا غلبه دارد. در تعارض حداقلی، با بررسی دو طرف، راه حل کشف می‌شود. تعارض حداکثری وقتی بروز می‌کند که ترجیح یکی از دو طرف و تشخیص وظیفه اصلی دشوار باشد (بهرامی و قراملکی، ۱۳۹۳، ۲۲۰).

مسائل اخلاقی و رفتار حرفه‌ای برای اکثر روانشناسان یک نگرانی است و فشارهای سنگینی بر آنها وارد می‌کند. پوپ و وتر^۲ (۱۹۹۲) در مطالعه زمینه‌یابی که بر یک نمونه تصادفی ۱۳۱۹ نفر از اعضای انجمن روانشناسی آمریکا (APA) انجام داد، از آنان درخواست کرد تا وقایعی را توصیف کنند که برای آنها به لحاظ اخلاقی مشکل‌زا بوده‌است. نتایج پژوهش نشان داد که ۶۷۹ روانشناس، ۷۰۳ اتفاق را در ۲۳ مقوله توصیف کردند. باید اذعان داشت که آموزش دادن و فراگیری اخلاق و رفتار

1. Moral Dilemma.

2. Pope, K.S & Vetter, V. A.

حرفه‌ای در روانشناسی، در کلاس‌های دانشگاه آسان‌تر از به‌کارگیری آن در کار حرفه‌ای و بالینی است.

پیچیدگی‌های حرفه‌های یاورانه، به دلیل تعاملات عاطفی و انسانی موجود در آن، معضلات و دوراهی‌هایی را ایجاد می‌کند که ممکن است تصمیم‌گیری در مورد انتخاب یکی از دو راه، راحت نباشد. نظام‌نامه‌های اخلاقی معمولاً راه حل چنین دوراهی‌هایی را ارائه نمی‌دهند یا نمی‌توانند ارائه دهند. گزارش‌های موجود در دادگاه‌ها نشانگر حساسیت ویژه این حرفه است. رسوایی‌های به بار آمده از سوءاستفاده‌های متخصصان حرفه‌های یاورانه از مراجعان و درمانجویان، هر از گاهی وجدان عمومی جامعه را تحریک و به واکنش نشان دادن وا می‌دارد. در کشورهای غربی که در این حرفه‌ها پیشرفته‌تر هستند، گزارش‌ها حاکی از تخلفات غیرقابل اغماض متخصصان این رشته است. این وضعیت تا جایی پیش رفته است که یالوم^۱ روان‌پزشک و روان‌درمانگر وجودی، زمانی در مورد این تخلفات با عنوان «روی تخت درمان»^۲ نوشته است (۱۹۹۷).

از طرف دیگر؛ مشاوران مذهبی با توجه به ضوابط دینی دچار چالش‌هایی جدیدی می‌شوند که به احکام شرعی یا اخلاقی مربوط است. این تحقیق به بررسی چالش‌های اخلاقی مشاوران از نوع ابهام نظری و دارای تعارض در هر دو سطح (تعارض فضایل) و (تزام فرائض)، می‌پردازد.

1. Yalom, I. D

2. Lying on the couch.

روش تحقیق: رویکردها و مراحل حل یک چالش اخلاقی

در اخلاق کاربردی، دو رویکرد برای حل معماهای عنوان شده است: اول، اصول‌گرایی یا استفاده از نظریه‌ها، اصول و قواعد اخلاقی، دوم، قرینه‌گرایی یا استدلال مبتنی بر مورد و بررسی حقایق امور، شهودات، شرایط و مناسبات در هر مورد خاص بدون استفاده از اصول اخلاقی (اسلامی، دبیری و علیزاده، ۱۳۸۸، ص ۲۸-۳۱). در رویکرد اول، نظریه‌های اخلاقی، سودگرایی، وظیفه‌گرایی و فضیلت‌گرایی مبنا قرار می‌گیرد. در علوم بالینی و مشاوره، سودگرایی به تامین سلامت بیشتر افراد باز می‌گردد. در وظیفه‌گرایی، انجام رفتار درست مهم است هرچند به سلامت بیشتر نیانجامد. فضیلت‌گرایی به انگیزه فاعل مانند عدم تظاهر، ثبات قدم، پرهیز از افعال زشت و احساس مسئولیت باز می‌گردد. در اصل‌گرایی از نظریه‌های متعدد، اصولی استنتاج می‌شود (فرهادی، ۱۳۸۶، ص ۳۹). پنج اصل اخلاقی خودمختاری، نیکوکاری، عدالت، آسیب‌نرساندن و وفاداری، اساس بحث اخلاقی در روان‌شناسی و مشاوره است که توسط کیچنر (۱۹۸۴) و بر پایه تحقیقات بیوجمپ و چیلدرس (۱۹۹۴) پیشنهاد گردید تا در هنگام اتخاذ تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و هنگام مواجهه با بحران از آنها استفاده شود (کیچنر، ۲۰۰۰).

علاوه بر این اصول، پرورش ملکات مانند عفت و شجاعت، حقوق فردی مانند برخورداری از رفاه، آموزش، سلامتی و آزادی، رضایت و اراده خدا یا فرمان الهی مبنای قضاوت اخلاقی در نظر گرفته می‌شود. فرمان الهی را به دو صورت می‌توان فهمید: کاری که خداوند امر کرده یا از آن نهی کرده است، دوم کاری که در نهایت

فرد را به رضایت خدا می‌رساند. البته به علت تطابق اصول اخلاقی با عقل و وحی، با رعایت آن‌ها دستورات الهی نیز رعایت می‌شود و رضایت خدا حاصل می‌شود (خزاعی و مدنی، ۱۳۸۹، ص ۶۰ و ۶۵). تطبیق یک تصمیم بر احکام شرعی و قواعد اخلاق اسلامی، راهی برای تشخیص اخلاقی بودن آن است. در نگاه اسلامی، برخی رفتارهای ضد اخلاقی مانند روابط جنسی نامشروع، به طور مشخص از گناهان محسوب می‌شود و برخی نیز در ضمن مکروهات آمده است. داشتن صفت تقوا و عمل طبق آن از شرایط لازم یک مشاور از نگاه اسلامی است (امامی راد؛ ۱۳۹۵؛ ۶۸). از لوازم تقوا پایبندی به احکام شرعی است. بنابراین حل چالش‌های اخلاقی در موارد متعدد با رعایت احکام شرعی بسیار مرتبط می‌شود.

در چالش اخلاقی تطبیق مورد بر یکی از این اصول مشکل است یا هر طرف با یکی از این اصول قابل تطبیق و با دیگری متناقض است. در این شرایط برای انجام رفتار با ملاک اخلاقی، شروط زیر عنوان شده است:

- (۱) برای اصلی که نقض می‌شود باید دلایل بهتری در کار باشد.
- (۲) هدف اخلاقی که به خاطر آن اصلی نقض می‌شود باید قابل تحقق باشد.
- (۳) هیچ عمل اخلاقی بهتر در این موقعیت مقدور نباشد.
- (۴) کمترین نقض ممکن انتخاب شود
- (۵) سعی شود تاثیرات بد ناشی از نقض کاسته شود.

البته در برخی شرایط؛ اصول و نظریه‌ها کمکی به حل چالش نمی‌کند. به علاوه از نظر فضیلت‌گرایان توجه صرف به افعال و بی‌توجهی به فاعل که همان انسان‌ها

هستند، موقعیت را حل نمی‌کند و ممکن است فاعل بدون استناد به اصلی با تشخیص و خیرخواهی خود، تصمیمی اخلاقی بگیرد (فرهادی، ۱۳۸۶، ص ۴۱ و ۴۲). در مجموع راه مناسب حل چالش‌ها، توجه به هر دو رویکرد رعایت اصول و نظریه‌های اخلاقی و در نظر گرفتن همه ابعاد در یک مورد جزئی است که برخی آن موازنه متفکرانه نامیدند (اسلامی، دبیری و علیزاده، ۱۳۸۸، ص ۳۲).

با توجه به دو رویکرد بالا، لازم است مشاوران برای حل تعارض‌های اخلاقی، گام‌های زیر را انجام دهند:

اول: به عنوان یک وظیفه تلاش کنند حساسیت اخلاقی خود را بالا ببرند و نسبت به مسایل اخلاقی در مشاوره توجه زیاد و پیوسته نشان دهند (فرهادی، ۱۳۸۶، ص ۳۷). حساسیت اخلاقی به معنای فرایند تشخیص موقعیت در زمانی است که شخص بخواهد برای رفاه دیگران کاری انجام دهد و به مفهوم اخلاقی آنچه اتفاق می‌افتد حساس باشد (حسینیان، ۱۳۸۵). حساسیت اخلاقی یا تشخیص مفاهیم و مسئولیت اخلاقی، اولین مولفه رفتار اخلاقی است (رست ۱۹۸۶؛ شعبانی، ۱۳۹۱، ص ۷۰). شرکت در کلاس‌ها و کارگاه، مرور ماهیانه نظام‌نامه‌های اخلاقی مشاوران و مرور مباحث علمی در اخلاق مشاوره، می‌تواند در تقویت انگیزه مشاور برای آماده‌سازی خود برای حل چالش‌ها و طی هوشمندانه مراحل قضاوت اخلاقی موثر باشد.

دوم: شناسایی و تعریف دقیق چالش اخلاقی، گام بعدی محسوب می‌شود (فرهادی، ۱۳۸۶، ص ۳۷). لازم است مشاور پیش از هر گونه مداخله، دو طرف

چالش اخلاقی را روشن کند و تعریف عملیاتی مداخله در هر طرف و شناسایی پیامدهای احتمالی هر کدام را ثبت کند. مشاور در این مرحله لازم است روشن کند که آیا جمع بین دو طرف یا راه سوم بر اساس یافته های علمی خود و نظام نامه های اخلاقی پیدا می کند یا نه؟ فقط در صورتی وارد گام سوم شود که راهی برای حل چالش به دست نیورد. نخستین راه حل تراحمات اخلاقی بدوی این است که در صورت امکان، هر دو الزام اخلاقی را انجام داد. بنابراین با تطبیق تصمیم بر یکی از اصول بالا، از اخلاقی بودن آن اطمینان یابد و آن را انجام دهد. از نظر علمای اصول فقه نیز جمع بین دو طرف، تا حد امکان لازم است (انصاری، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۹). سه شرط در حل ناسازگاری با در نظر گرفتن قواعد اخلاقی در نظر گرفته شود: ۱. سنجش دقیق و کمی دو طرف تعارض به ویژه بر اساس آثار دو طرف، ۲. اهم و مهم بودن دو طرف، ۳. محال بودن انتخاب هر دو طرف (قراملکی، ۱۳۹۳، ۲۲۰).

سوم: مراجعه به نظام نامه اخلاق حرفه ای و تامل و بررسی بیشتر برای تطبیق یکی از دو طرف قضاوت با قواعد اخلاقی، گام سوم است (فرهادی، ۱۳۸۶، ص ۳۷). اصول اخلاقی، چارچوبی را برای حل دو راهی ها و جهت دهی به تفکر اخلاقی ارائه می دهد. در این گام لازم است در کنار توجه به منابع نظریه های اخلاقی و قواعد اخلاق حرفه ای، به احکام شرعی و قواعد اخلاقی و اعتقادی اسلامی مراجعه کند و اعتبار و درستی انتخاب یکی از دو طرف تعارض را بررسی کند.

چهارم: اگر ترجیح یکی از دو طرف برای مشاور مقدور نبود، در واقع او دچار تعارض حداکثری شده است. در این شرایط، قاعده «تقدیم اهم بر مهم»،

مناسب‌ترین راه حل تعارض است که از قواعد عقلی و متون اسلامی به دست آمده است (مظفر، ۱۴۰۵، ج ۲ ص ۱۹۰). در سخنان معصومان (ع) نیز شاهدهی بر این قاعده وجود دارد (خوانساری، ج ۵، ص ۳۳۰، مجلسی، ج ۷۵، ص ۶).

از آنجا که بیشتر موقعیت‌های تعارضی مشاوره، درگیر شدن در انتخاب بین دو بد است، قاعده مشابه دیگری در علوم اسلامی به نام «دفع افسد به فاسد» که از مصادیق قاعده تقدیم اهم بر مهم است (علی آبادی و اسفندیاری اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۲۸) را می‌توان برای حل آن به کار گرفت. افسد یعنی؛ آنچه تباه‌تر است و فاسد یعنی؛ امری که تباه و ضایع است (عمید، ۱۳۶۲، ص ۱۶۲ و ۸۵۴). از قواعد مهم اصول فقه امامیه، قاعده «اهم و مهم» و «دفع افسد به فاسد» است (انصاری، ۱۴۱۶، ج ۲، ۷۴۹ و آخوند خراسانی، ۱۴۲۷، ۲۹۱/۳). مفاد این قاعده آن است که گاه انسان، به لحاظ محدودیت‌های زمانی و غیر آن، در مقام انجام دو تکلیف شرعی دچار تزامم می‌شود و از به‌جای آوردن دو تکلیف عاجز می‌شود. در این صورت باید تکلیفی را که اهمیت بیشتری دارد انجام دهد، و اهم را بر مهم ترجیح دهد. گاه نیز انسان بر سر یک دو راهی قرار می‌گیرد که هر دو ناخوشایند است، ولی یکی ناخوشایندتر است. در چنین مواردی، عقل حکم می‌کند که برای پرهیز از امر ناخوشایندتر، انسان به استقبال امری که ناخوشایند است برود. اگر امری را انتخاب کند که که آسیب‌ها و مفسد بیشتر دارد، از نظر اخلاقی و اسلامی دچار گناه شده است (علی آبادی و اسفندیاری، ۱۳۹۴، ص ۱۲ و ۲۲).

معیارهایی برای تشخیص اهم در اصول فقه آمده است، عبارت است از: رعایت

حفظ جان، حقوق و آبروی مردم، عفت، واجبات دینی، اصلاح و پیشگیری از اختلاف، تقدیم مصالح عموم مردم و جامعه بر فرد و در تزاخم بین مصالح اخروی و دنیوی، مقدم کردن مصالح اخروی بر دنیوی (مظفر، ۱۴۰۵، ج ۲ ص ۱۹۳). مصالح و مفاسدی که در دو طرف یک چالش اخلاقی بروز می‌کند از جهت مراتب قوت و ضعف، باید از سه ناحیه لحاظ گردد: از ناحیه خود مصلحت و موقعیت آن؛ از جهت گستره آن؛ و از جهت اطمینان به بروز آن در آینده و آثاری که در پی دارد (یوسف حامد العالم به نقل از رضوانی، ۱۳۹۲، ص ۱۱). این مصالح و مفاسد در چالش اخلاقی مشاور، بیشتر به نیازهای مراجع مربوط می‌شود که معمولاً به حد فوریت و فشار رسیده است.

با توجه به موارد بالا، لازم است مشاور با همفکری مراجع، همه ابعاد مثبت و منفی دو انتخاب را روشن کند. شاید بخش دشوار داوری اخلاق همین مرحله باشد، چرا که در صورت روشن شدن مزایا و معایب دو طرف و وزن هر یک، انتخاب راحت خواهد بود. البته به دلایل عقلی و اسلامی که بیان شد، همین که مراجع و مشاور با گمان قوی، یک طرف را اهمیت بدهند، بر طرف دیگر مقدم می‌شود و لازم نیست که اهمیتش احراز شود.

پنجم: اگر مراجع و مشاور به کمک هم، نتوانستند مورد کم آسیب‌تر را انتخاب کنند، لازم است مشاور با گرفتن مهلت، به خود و مراجع فرصت تامل بیشتری دهد. در این دوره، مشورت با اساتید راهنما و همکاران می‌تواند دیدگاه‌های جدید، نکات مورد غفلت و منابع علمی دیگر را در اختیار مشاور قرار دهد. در مشورت‌ها،

این پرسش‌ها مدنظر قرار گیرد: چه بخشی از مشکل برای تعیین جایگزین‌های اخلاقی مهم‌تر است؟ تفسیر و تحلیل مشاور از کدها و اصول اخلاقی و ارزیابی او از عوامل مشکل چقدر معتبر است؟ و راه حل دیگران برای مشکل چیست؟ (فرهادی، ۱۳۸۶، ص ۵۲).

استفاده از معنویت: از آنجا که بر اساس اعتقادات اسلامی، خداوند دانا بر همه امور کلی و جزئی جهان از جمله مناسبات میان انسان‌ها است، طلب هدایت و کمک از او برای انتخاب درست در همه مراحل چالش اخلاقی بهترین راه است، هرچند در این مرحله به علت دشواری آن، مهم‌تر است. اگر مراجع و مشاور با حالت اضطرار و اخلاص از خدا، خیر مراجع و بهترین گزینه را بخواهند، بی‌تردید خداوند به وعده خود عمل می‌کند و آنان را به راه‌های درست رهنمون می‌کند (عنکبوت، ۶۹). بدین منظور توصیه می‌شود مشاور از نظر شناختی، مبانی تاثیر قدرت الهی و روحیه دعا را در خود و مراجع تقویت کند. همچنین مشاور همراه با مراجع در جلسه دعا کنند و او را به دعا برای حل مشکل در خلوت خود و اماکن مقدس ترغیب کند. در همین مرحله، پرسش از متخصصان دینی در احکام شرعی و اخلاق اسلامی، گاه ضرورت دارد.

ششم: اگر مشاور پس از طی این مراحل، در حل مشکل یا چالش باز هم ناتوان بود، لازم است با صراحت، این را به مراجع اعلام کند و بدون هرگونه نظر دادن، او را در انتخاب یکی از دو راه با اشاره به پیامدهای هر یک مخیر کند یا او را به مشاوران دیگر ارجاع دهد. در نگاه اسلامی در چنین شرایطی، افراد را در انتخاب یکی از دو

طرف تعارض مخیر می‌کنند (مظفر، ۱۴۰۵، ج ۲ ص ۱۹۰). در این موقعیت نیز جز سپردن اختیار به دست مراجع و عدم توصیه‌ای ویژه، راهی در کار نیست.

یافته های تحقیق

مصاحبه با پنج نفر از مشاوران روشن کرد که چالش‌های اخلاقی در مشاوره انواعی دارد. در دسته‌بندی چالش‌های اخلاقی مشاوران به دو نکته توجه شد. اول: چالش‌های اخلاقی مشاوران، بسیار زیاد است و شاید بتوان گفت به اندازه تعداد مراجعان برای مشاور، چالش اخلاقی وجود دارد. دوم: رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای، می‌تواند بسیاری از چالش‌های اخلاقی مشاوران را، پیشگیری کند به عبارت دیگر، اگر مشاوران نسبت موضوع مورد مشاوره از دانش کافی برخوردار باشند، اصول اخلاقی حرفه مشاوره را درست اجرا کنند و توانایی و مهارت لازم برای مشاوره دادن کسب کرده باشند (مانند گذراندن دوره‌های کاروزی زیر نظر یک استاد)، کمتر چالش اخلاقی برای آنها پیش می‌آید.

چالش اخلاقی مشاور ممکن است مربوط به دو راهی اخلاقی مراجع باشد به این صورت که مراجع دچار چالش تصمیم‌گیری بین دو گزینه می‌شود و از مشاور کمک می‌خواهد و مشاور نیز با قواعد علمی و مرامنامه‌های اخلاق حرفه‌ای نمی‌تواند در مرحله ابتدایی آن را حل کند و او نیز دچار تعارض در تصمیم‌گیری و راهنمایی مراجع می‌شود. گاه ممکن است چالش اخلاقی به خود مشاور باز گردد. در اینجا مراجع چالشی ندارد و صرفاً از مشاور درخواست کمک کرده ولی مشاور خودش در روند کمک به او، دچار چالش اخلاقی می‌شود. چنین مواردی؛ چالش‌های اخلاقی

حرفه مشاوره به حساب می‌آید زیر مشاور در رفتار حرفه‌ای خود دچار معمای اخلاقی شده است. هر دو نوع چالش ممکن است در سه حیطه مشاوره فردی، خانوادگی و گروهی بروز کند. بررسی نشان داد که در مشاوره گروهی، معمولاً چالش‌های اخلاقی مشاوران، بسیار کمتر است. شاید نظارت و یاری مشترک همه اعضای گروه و ورود کمتر به مسائل ویژه و اساسی‌تر مراجعان، زمینه بروز چالش اخلاقی مشاور را کمتر می‌کند. از این رو، چالش‌های دو نوع اول بررسی شد.

دو مسئله مشاوران را در برخورد با مراجعان دچار مشکل می‌کند: عدم تناسب برخی قواعد اخلاقی مشاوره با فرهنگ جامعه محل زندگی مشاور و تطبیق یک رابطه ویژه درمانی بر قوانین اخلاقی. بسیاری از چالش‌ها به روابط دوگانه ناشی از همکاری با مراجع یا تعاملات اجتناب‌ناپذیر روزمره بر می‌گردد (هرلی و کوری، ۲۰۱۵، ۲۲).

نمونه‌هایی از حل چالش‌ها

در این بخش ۱۰ نوع چالش و حل آن ارائه می‌گردد. فرض بر این است که مشاور در این موارد، مرحله اول و دوم از گام‌های شش‌گانه را طی کرده است و پس از حساسیت اخلاقی، دو طرف، به راه حلی برای جمع بین هر دو نرسیده است.

اول. چالش در پذیرش یک مراجع یا ادامه مشاوره

۱. در برخی موارد یک روانشناس مسلمان مراجعی از جنس مخالف دارد. در نگاه شرعی خلوت دو فرد نامحرم جایز نیست و از طرفی مشاوره بدون فراهم شدن

فضایی که مراجع احساس امنیت کند و به تدریج به مشاور اعتماد کند، اثربخشی لازم را ندارد. به علاوه روان‌درمانگری مستلزم یک رابطه عاطفی است که گاه فرآیند انتقال روی می‌دهد و این برای دو طرف خطرزا است. مثلاً گاه مراجع به درمانگرش ابراز علاقه می‌کند و زمینه بروز روابط نامشروع هرچند با احتمال کم فراهم می‌شود.

حل: طبق بند ۵ مداخله‌های روانشناختی نظام‌نامه اخلاقی روانشناسان و مشاوران در ایران، مشاوران از درگیر شدن در هرگونه رابطه جنسی با مراجعان خود باید اجتناب کنند. براین اساس تا رابطه جنسی در هر سطح اتفاق نیافتد، منع اخلاقی وجود ندارد. البته تحقیقات متعدد نشان داده است که مشاوران زیادی دچار این انحراف اخلاقی شده‌اند. از طرفی نگاه اسلامی نیز چارچوب‌های مشخصی برای روابط زن و مرد نامحرم قرار داده است. به علاوه، توصیه شده است که فرد از قرار گرفتن در موقعیت‌های احتمال بروز رفتار جنسی نامشروع خودداری کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق.، ج ۲۰؛ ص ۱۹۸) و این تحت عنوان دوری از شبهه قرار می‌گیرد که در متون اسلامی بر آن تاکید شده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق.، ج ۱ ص ۵۰). بنابراین اگر مشاور چینی احتمالی را در خود می‌دهد، مثلاً جوان است یا خویشنداری جنسی را در خود قوی نمی‌داند، ترک این مشاوره، اخلاقی‌تر است و مصلحت آن بر اصل وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری نسبت به مراجع، برتری دارد.

۲. گاه یکی از اقوام یا دوستان نزدیک از مشاور مشورت حرفه‌ای می‌خواهد و بر آن اصرار دارد و ارجاع به سایر متخصصان را نمی‌پذیرد. از یک طرف طبق اصول حرفه‌ای، مشاوره به نزدیکان مناسب نیست، زیرا رابطه دوگانه محسوب

می‌شود (هرلی و کوری، ۲۰۱۵، ۲۲). از طرفی، ندادن مشاوره خلاف تعهد حرفه‌ای و باعث ناراحتی در روابط دوستی و خویشاوندی خواهد شد. در هیچ یک از نظام‌های اخلاقی، این مشاوره منع نشده است. با این وجود مشاور در این شرایط اغلب درگیر چالش اخلاقی در مواردی مانند گرفتن یا نگرفتن دست‌مزد، نقض حریم شخصی، نقض رازداری و بی‌طرفی می‌شود. معمولاً سایر بستگان پیگیر مسئله هستند که مشاور تحت فشار افشای اسرار مراجع قرار می‌گیرد (احمدزاده، ۱۴۰۰، ص ۱۱۵). گاه این مراجع، نسبت به پرداخت هزینه دغدغه و اصرار دارد. پرداخت تاثیر درمانی دارد و از طرف دیگر دریافت حق الزحمه گاه پیامدهای نامناسبی برای مشاور دارد. مثلاً ممکن است اسرار مالی مشاور و درآمد نسبی او نزد آشنایان کشف شود و قضاوت‌هایی نسبت به او روی دهد.

حل: هر چند برخی توصیه می‌کنند که بستگان و آشنایان به مشاوران همکاری ارجاع شوند (همان)، با توجه به رعایت اصل مهم صله رحم یا ارتباط مناسب با خویشان در فرهنگ اسلامی ایرانی (نساء، ۱)، بهتر است در صورت اصرار مراجع، خود به او مشاوره دهد. رابطه دوگانه مشاور و مراجع همیشه غیر حرفه‌ای و ضد اخلاقی نیست و با توصیه‌هایی می‌توان آسیب را کم کرد (هرلی و کوری، ۲۰۱۵، ص ۱۵). هر چند در این شرایط با توجه به لزوم افشای برخی اسرار برای حل مسائل، مراجع با مشکلاتی مواجه می‌شود، ولی تاکید بیشتر مشاور بر رعایت رازداری می‌تواند، زمینه ارتباط موثر با مراجع را تسهیل کند. روشن است که هرگونه تعدی جزئی از اصول رازداری در جمع خویشاوندان، رابطه مشاوره‌ای را

تضعیف می‌کند. نکته دیگر تاکید مشاور بر لزوم طی مراحل علمی و تعهد گرفتن از مراجع مبنی بر همکاری او است. بدین منظور لازم است در این مشاوره، سه عامل رعایت شود. اول: تعهد اولیه مشاور به رفاه مراجع، دوم: تبدیل مشاور به فرد مهم و با ارزش در زندگی مراجع، سوم: مراقبت از آسیب‌های ناشی از قدرتمندی بیشتر مشاور و توصیه‌های اجباری او (سانه، به نقل از کیانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰).

شاید برای رعایت صله رحم و رابطه دوستی، در این موارد گزینه بهتر، نگرفتن حق الزحمه باشد. مشاور می‌تواند با روش‌های دیگری؛ تاثیر پرداخت بر مراجع را تامین کند. مثلاً تعهدی جدی بر انجام تکالیف خانگی از مراجع بگیرد. مشاور، نیز با قصد شمردن این خدمات مشاوره از نوع یاری به مردم و توجه به روزی‌رسانی خدا و پاداش معنوی نفع رساندن به مردم، دغدغه عدم دریافت حق الزحمه را جبران کند (اصل نیکوکاری). در این چالش، مشاور با رویکرد فضیلت‌گرایانه، به تاثیرات اخلاقی و معنوی رفتار خود توجه کرده و فهم بهتری از وظیفه و غایت مطلوب رفتار خود در این شرایط به دست می‌آورد (اکبری، ۱۳۸۶، ۹۵).

۳. مشاور درگیر درمان مشکلی در مراجع است که تاثیر منفی شدیدی بر زندگی خود او دارد. ادامه دادن مشاوره او را دچار مشکلات اخلاقی یا خانوادگی می‌کند و قطع مشاوره در نیمه کار علاوه بر تحمیل هزینه‌هایی به مراجع، روند درمان او را دچار مشکل جدی می‌کند.

حل: بر اساس اصل نیکوکاری و تعهد، ادامه مشاوره اخلاقی است، ولی طبق اصل حفظ سلامتی و ضرر نرساندن به خود، ادامه مشاوره اخلاقی نیست. در این

شرایط آسیب‌های وارده به مشاور طی درمان، ممکن است در کار حرفه‌ای او تاثیر منفی بگذارد و حتی مانع کمک لازم به همین مراجع گردد. بنابراین اصل عدم آسیب‌رسانی به مراجع، بهتر است طی فرآیند تدریجی مشاوره به متخصص دیگر سپرده شود و حتی اگر لازم است، بخشی از هزینه‌های دریافتی را به مراجع برگرداند. همچنین بر اساس بند c و a کدهای انجمن آمریکایی روانشناسان (APA) اصول اخلاقی؛ بخش 1.13: تعارضات و مسایل شخصی؛ مشاور باید از قبول فعالیت خودداری کند یا وظایف مربوط به حرفه خود را محدود کرده، به تعویق اندازد یا پایان دهد (فرهادی؛ ۱۳۸۶؛ ۷۲).

دوم. چالش مربوط به مشکلات مراجعان در روابط جنسی

از آنجا که این روابط در بیشتر جوامع دارای ضوابط ویژه‌ای است و پیامدهای زیستی (مانند ازاله بکارت یا بارداری)، روان‌شناختی (مانند عوارض سوء استفاده جنسی و بروز دل‌بستگی میان دو طرف)، اخلاقی (مانند خروج از چارچوب‌های دینی)، حقوقی (مانند جرم در تعدی جنسی یا مشکل الحاق فرزند در بارداری خارج از ازدواج)، برای افراد و جوامع دارد، مشاور در مواجهه با این مسائل دچار چالش می‌شود. شاید بتوان گفت مشاوران به دلیل اصل رازداری و مهارت همدلی، اولین افرادی باشند که از مشکلات محرمانه مراجعان به‌ویژه مسائل جنسی با خبر می‌شوند. نمونه‌های از این چالش‌ها عبارت است از:

۱. مراجع دختری است که در ارتباط جنسی خارج ازدواج، بکارتش را از دست داده و طرف مقابل او را رها کرده است. او الان در صدد ازدواج با مردی است که از

شروطش بکارت دختر است. دختر در صدد ترمیم بکارت خود است. آیا مشاور این راه را تایید کند که مشکل اخلاقی فریب مرد داوطلب ازدواج را به همراه دارد، یا او را نهی کند و در نتیجه، گزینه خوبی برای ازدواج از دست بدهد.

حل: این چالش دو بخش دارد، ترمیم بکارت و اعلام به خواستگار. برخی مراجع تقلید ترمیم بکارت را جایز می‌دانند و برخی به علت حرمت نگاه به عورت نامحرم، آن را نادرست. در این مورد، خانم مراجع لازم است نظر مرجع تقلید خود را بپرسد و طبق آن عمل کند و تکلیفش روشن است. بخش دوم اعلام ترمیم یا باکره نبودن به خواستگار است. در مورد اعلام نیز فقط برخی مراجع تقلید لازم می‌دانند (پرسیمان، ۲۷-۷-۱۳۹۹) و لازم است فرد به نظر مرجع تقلید خود عمل کند. ترجیح اخلاقی این است که مشاور، خانم را ترغیب کند در مرتبه اول بکارت خود را ترمیم نکند تا زمینه فریب دادن فراهم نشود (اصل آسیب نرساندن). در مرتبه دوم شرایط خود را به خواستگار بگوید. البته نه در مرحله اولیه بلکه وقتی که مراحل آشنایی برای ازدواج تا حدی طی شده و زن و مرد در فرآیند نهایی تصمیم‌گیری برای ازدواج قرار گرفته‌اند زیرا گفتن در مراحل اولیه، با توجه تعدد خواستگاران باعث افشای اسرار خانم نزد افراد بسیاری می‌گردد. گفتن در مرحله نزدیک به انتخاب قطعی؛ این مفسده را کمتر دارد، ولی چون مفسده فریب خواستگار یا روشن شدن موضوع بعد از ازدواج و اختلافات بعدی، بیشتر است، بهتر است این اطلاع رسانی صورت گیرد. در اینجا مشاور با ترغیب خانم به صداقت و توجه دادن به آثار بسیار مثبت آن، این مسیر را در او تسهیل کند.

۲. مراجعی که فرصت تامین نیازهای جنسی خود را از راه مشروع ندارد، دچار خودارضایی است و فشار جنسی بر او به حدی است که اگر به خود مشغول نشود، درگیر روابط نامشروع با دیگران خواهد شد. اگر مشاور برای تقویت خویشنداری جنسی فرد و کاهش مشکلات روانی ناشی از نیاز جنسی او، نتواند راهی پیدا کند، ناچار بین دو گزینه غیراخلاقی و نامشروع است: مجوز خودارضایی یا مجوز روابط خارج از ازدواج.

حل: در این چالش دو طرف تصمیم با اصل رعایت اراده خدا یا فرمان الهی ناسازگار است (مومنون، ۷). مشاور در گام اول لازم است همه روش‌ها و فنون علمی را برای تقویت خویشنداری مراجع به کار گیرد. تسهیل راه‌های مشروع تامین نیاز جنسی، نیز هم‌زمان صورت گیرد. اگر این مداخلات از جمله روان‌درمانی، کارآیی نداشت، مشاور مفسده‌های دو طرف خودارضایی و روابط نامشروع را به‌طور کامل و دقیق بیان کند. بر اساس مبانی دینی، به دلیل تفاوت حدود شرعی به این که زنا حد دارد و اسمنافقط تعزیر (خمینی، ۱۳۸۰، ج ۲ ص ۴۶۲)، گناه کییره بودن روابط نامشروع یا زنا (فرقان، ۶۷ و کلینی، ج ۲ باب الکبائر، ص ۲۷۸) و این که درگیر کردن فرد دیگر در گناه از نظر اخلاقی ناشایست است، خودارضایی مفسده کمتر دارد. مشاور با توضیح این موارد، هیچ توصیه‌ای به مراجع نداشته باشد و فقط لازم است مفسده‌های هر طرف را برشمارد و طرفی که مفسده بیشتر دارد را روشن کند. این از موارد "دفع افسد به فاسد" است. هرچند شواهد متعدد قرآنی و حدیثی برای جواز عمل به قاعده دفع افسد به فاسد ارائه شده است (علی آبادی و

اسفندیاری، ۱۳۹۴، ص ۹)، ولی باید مشاور تاکید کند که عمل به رفتار دارای مفسده کمتر در شرایط اضطراری است و مراجع باید سعی کند که زودتر از چنین شرایطی خود را رهایی دهد.

سوم. چالش‌های مرتبط با دینداری

آیا روانشناس مسئولیت شرعی نسبت به اعمال مراجع خود دارد؟ آشکار نبودن مطالبات دینی از افراد در جایگاه مشاوره باعث چالش‌هایی برای او می‌شود. بر اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر، مشاور مانند هر فرد مسلمان دیگر، نسبت به اعمال دینی عنوان شده در جلسه مشاوره مسئولیت دارد (توبه، ۷۱).

۱. مراجع برای درمان یک مشکل روانی یا ارتباطی ناچار به ترک یکی از واجبات یا انجام یکی از محرّمات دینی است. مثلاً مراجع مبتلا به وسواس نمی‌تواند وضو و غسل بگیرد زیرا اضطراب بالا حال او را بد می‌کند.

حل: اگر مشکل روانی فرد به حدی باشد که سلامت او در خطر است، یا در شرایط عسر و حرج است، از نظر اسلامی ترک واجب یا انجام گناه جایز می‌شود. بر اساس یک قاعده فقهی، هر عمل حرامی که اضطراب در انجام باشد، جایز است (انعام، ۱۱۹ و نجفی، ۱۴۱۲، ج ۳۶، ص ۴۲۶-۴۲۷). البته شناخت هر مورد، نیازمند دقت و درک فقهی مشاور و پرسش از مراجع احکام شرعی در صورت ابهام، است.

چهارم. چالش مربوط به اختلالات روانی و آزمون‌ها

۱. یک چالش مهم در موارد اختلال روانی، اعلام آن به مراجع است. در بسیاری از موارد، برچسب بیماری روانی، اضطراب‌زا است. از طرفی اگر به او اعلام نشود،

پیگیری امور درمانی را جدی نمی‌گیرد. در همین رابطه، چالش اعلام نتایج تست‌های روان‌شناختی به مراجع است که گاه نه تنها کمکی به او نمی‌کند، بلکه تفسیرها باعث می‌شود برچسبی بر خود بزند و شرایط خود را بدتر کند. در عین حال او اصرار به روشن شدن نتایج تست دارد.

حل: در این شرایط حق مراجع و رفاه مقتضی اعلام نتایج تشخیص و آزمون است (فرهادی، ۱۳۸۶، ۲۶۸) و با اجتناب از آسیب نرساندن به او در تعارض است (نظام نامه اخلاقی روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، اصل سوم از اصول عمومی). به نظر می‌رسد چالش بین آسیب کمتر و آسیب بیشتر است. آیا اطلاع ندادن موجب آسیب بیشتری است یا اطلاع دادن. در اینجا ممکن است راه حل سومی در پیش گرفت به این صورت که مشاور نشانگان اختلال را به مراجع خبر دهد تا به درمان خود اهمیت دهد ولی برچسب و طبقه اختلال را اعلام نکند. در هر صورت بر اساس اصل صداقت، دادن اطلاعات نادرست به مراجع، اخلاقی نیست (کیانی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷). تشخیص این که کدام طرف آسیب بیشتری دارد، وظیفه مشاور است و اگر برایش روشن نبود، با مهلت گرفتن از مراجع، با استاد ناظر خود و سایر متخصصان مشورت کند. بیشتر اوقات، مراجعان، حق درخواست پس‌خوراند آزمون را دارند و مشاور باید تفسیر صحیح و کاملی از نتایج و تفسیر درست آن، به مراجع منتقل کند. البته لازم است مشاور احتمال آسیب به مراجع را جدی بگیرد (اصل آسیب نرساندن) و تفسیر کلی ارائه دهد و جزئیات فنی را نگوید و احتمال خطا در آزمون‌ها را هم یادآور شود (فرهادی، ۱۳۸۶، ۲۶۹).

پنجم. چالش در رابطه با مسایل قانونی مراجعان

۱. مراجع می گوید در گذشته مرتکب جنایت یا رفتار غیرقانونی شده است. اگر مشاور رازداری کند، حق یک فرد یا عموم مردم از بین می رود و اگر به مقامات قضایی گزارش دهد، رازداری را نقض کرده و فرایند مشاور را متوقف کرده است.

حل: اگر جنایت یا رفتار غیرقانونی مراجع، به حقوق مردم مربوط می شود، از آنجا که این فرد تحت پیگرد قانونی است، لازم است مشاور ماجرا را به نهادهای قانونی اطلاع دهد (نظام نامه اخلاقی روان شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، بند ۱۰-۲). در تعارض حریم خصوصی و حریم عمومی، باید جانب عموم مردم را گرفت به ویژه وقتی مسائله امنیت مردم در کار باشد (لفولت^۱، ۲۰۰۵، ۴۹۸ به نقل از احمد زاده، ۱۴۰۰، ۱۳۳) و این از موارد استثنای رازداری است. البته لازم است افشای اطلاعات در حداقل ممکن باشد (نظام نامه اخلاقی روان شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، مورد پنجم از موارد نقض رازداری).

۲. اگر مراجع تبعه کشور دیگری است و سکونتش در اینجا غیرقانونی است، مشاور چگونه باید برخورد کند؟

حل: اگر در مورد مهاجران غیرقانونی حکمی صادر نشده باشد که هر فردی آنان را ببند، گزارش دهد، چالش راحت حل می شود و گزارش حضور مراجع مهاجر، خلاف رازداری است. اما اگر چنین حکمی صادر شده باشد، روشن نیست که آیا

1. Lafolltte,H.

مشاور از نظر اخلاقی مجاز است به نهادهای قانونی اطلاع دهد یا نه؟ معیار دیگر رعایت حقوق مردم است. آیا حضور غیرقانونی مهاجر ضربه اساسی به حقوق مردم می‌زند و او از مراجعان خطرناک محسوب می‌شود تا از استثناهای رازداری باشد (فرهادی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). اگر چنین نباشد، رازداری اخلاقی است.

۳. اگر مشاور به سوءاستفاده گزارش نشده از کودک یا بزرگسالی پی ببرد، باید آن را گزارش دهد؟

حل: طبق قانون پیشگیری و درمان کودک‌آزاری در آمریکا، مشاوران موظفند آن را به مراکز قانونی خبر دهند (فرهادی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰). در نگاه اسلامی نیز سوءاستفاده جنسی از کودک یا بزرگسال، ممنوع است (مومنون، ۷). لازم است مشاور از آزار کودک پیشگیری کند و اگر از طریق خانواده کودک یا مددکار اجتماعی نتوانست از ادامه سوءاستفاده را متوقف کند به مراکز قانونی گزارش دهد.

۴. دختری بدون ازدواج باردار شده و الان زایمان کرده‌است و در صدد است بچه را در جایی رها کند، در غیر این صورت باید بچه را نگه دارد یا باید به مرکز رسمی بسپارد که در هر دو صورت آبروی خانوادگی والدین و خودش می‌رود و آینده زندگی او با مشکلات شدید روبرو می‌شود. اگر تصمیم جدی بگیرد که نوزاد را در جایی رها کند یا مشاور بداند این کار را کرده و محلش را نیز به مشاور اطلاع دهد، آیا وظیفه اخلاقی مشاور، اطلاع رسانی به مراجع قانونی است؟

حل: در این چالش، اولین گام، بررسی مفاسد و ضررهای هر دو طرف است. رها کردن نوزاد در گوشه‌ای حتی امن، غیرقانونی است، فردی بی‌نسب و بی‌هویتی را به

جامعه سپرده، آینده تربیتی بچه را مبهم کرده، و احتمال بروز احساس گناه و پشیمانی برای مادر نوزاد در آینده را بسیار زیاد می‌کند و زخمی است که تا پایان عمر بر روان او باقی است. سپردن فرزند به مراکز قانونی، به حکم دادگاه نیاز دارد، در این صورت برای دختر سوء پیشینه ثبت می‌شود و احتمال افشای این راز زیاد است. نگهداری نوزاد، اسرار دختر و بارداری نامشروع او را برملا می‌کند، آبروی خانوادگی او را می‌برد و ازدواج او را در آینده به خطر می‌اندازد. این مفاصد ممکن است برای برخی افراد کمتر یا بیشتر باشد. لازم است مشاور با همفکری خانواده و دختر، مفسده دو طرف را ارزیابی کند. شاید بتوان گفت در مجموع سپردن قانونی نوزاد به مراکز نگهداری کودک، مفسده کمتری داشته باشد. اگر برای حفظ اسرار دختر و خانواده او تلاش زیاد شود و در روند قانونی، سعی در عدم ثبت سوء پیشینه برای دختر شود، این تصمیم اخلاقی است و پیامدهای قانونی و روان‌شناختی کمتری دارد. به‌علاوه اگر در آینده دختر تصمیم گرفت که فرزندش را نزد خود نگه دارد، راه قانونی برایش باز است. از آنجا که اطلاع‌رسانی به مراکز قانونی در مورد مکان رهاسازی نوزاد، همان آسیب‌ها را دارد، حفظ رازداری در این مورد لازم است. این چالش حداکثری است و حل آن دشوار است.

۵. گاه در مشاوره زوجی کار به دادگاه کشیده می‌شود و الف) یکی از زوجین یا ب) هر دو یا ج) قاضی از مشاور درخواست شهادت یا امر قانونی دیگر مانند حکم شدن دارد. دخالت مشاور مستلزم بی‌طرفی یا نقض رازداری است. از طرفی شهادت ندادن با آیات و روایات متعدد لزوم شهادت (بقره، ۲۸۲-۳ و طلاق، ۲) منافات دارد.

حل: در صورت ج چون قانون است پذیرفتن شهادت الزامی است (نظام نامه اخلاقی روان شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، بند ۱۰-۲). در صورت الف بنا بر اصل بی طرفی و رازداری نباید شهادت له یا علیه یکی از زوجین را بپذیرد (نظام نامه اخلاقی و استانداردهای عملکرد مشاوره‌ای انجمن مشاوره آمریکا (APA, 1995). در صورت ب این خلاف بی طرفی است و مقتضای آن نپذیرفتن شهادت است. با این وجود اگر راهی برای کشف حقیقت غیر از شهادت مشاور نباشد، بر اساس آیات قرآن باید شهادت را باید پذیرفت هر چند برخی آن را منوط به پرسش مشاور از مرجع تقلید خود می‌دانند (احمدزاده، ۱۴۰۰، ۱۲۰).

ششم. چالش‌های اخلاقی در مشاوره ازدواج

۱. در مشاوره ازدواج روشن می‌شود که برخی مسائل خصوصی فرد ممکن است در آینده برای طرف مقابل و این ازدواج مشکل ایجاد کند. مثلاً فرد قبلاً به او مراجعه کرده و مشکلاتی مانند اعتیاد، سابقه زندان یا انجام ازدواج‌های موقت زیاد؛ داشته است. یا خانمی ازدواج قبلی داشته و برخی رویدادها مانند بیچه دار شدن در آن را به مشاور می‌گوید ولی حاضر نیست به فرد داوطلب ازدواج بگوید، چون شانس ازدواج با او را از دست می‌دهد. آیا رازداری مشاور در این موارد درست است.

حل: در برخی موارد فوق رازداری مشاور لازم است و افشای آن‌ها از موارد جواز نقض رازداری محسوب نمی‌گردد. از طرفی مشاور به عنوان یک متخصص مورد مشورت قرار گرفته است و ممکن است این موارد به پایداری ازدواج زن و مرد آسیب زند. حل چالش به این است که مشاور، مراجع را ترغیب کند که خود این

موارد را به خواستگار خود (مرد یا زن)، اطلاع دهد و از عواقب آن نترسد. با این استدلال که شروع زندگی مشترک با بی صداقتی، بحران های جدی تر را به دنبال دارد. حال اگر اسرار گذشته به مشکل اخلاقی شدید یا اختلال روانی شدید مراجع مربوط شود و فرد حاضر نیست این مشکل را به فرد داوطلب ازدواج بگوید و حتی مشاور را از گفتن آن نهی می کند، آیا لازم است مشاور به او اطلاع دهد؟ به نظر می رسد این از موارد نقض رازداری است و از استثناهای حرمت غیبت در متون اسلامی است. دلیل این جواز، لزوم خیرخواهی برای فرد طلب کننده مشورت از جمله در ازدواج است (کلینی، ج ۲، ص ۳۱۳) که با عنوان «وجوب نصح المستشير» در متون حدیثی آمده است (حر عاملی؛ ج ۱۲؛ ص ۴۳). بنابراین لازم است مشاور موارد موثر در ازدواج را به اطلاع طرفین برساند. وقتی دو فرد برای مشاوره ازدواج به متخصص مراجعه می کنند همه لوازم این روش را می پذیرند، همان گونه که در آزمایشات و مشاوره پزشکی و ژنتیک در ازدواج نیز اطلاع رسانی به طرف داوطلب ازدواج لازم است.

۲. مراجع مذهبی در مورد یک گزینه ازدواج دچار چالش است. فرد، سازگار، با اخلاق خوب و مردم دار است ولی نماز نمی خواند. یک مشاور مذهبی چه راه حلی را به این مراجع پیشنهاد کند؟

حل: دینداری از معیارهای مهم همسر مناسب در نگاه اسلامی است. از جمله ابعاد دینداری انجام تکالیف خداوند و ترک گناهان است. از طرفی حسن خلق نیز از شرایط لازم برای همسر مناسب است. اگر فرد از دینداری نسبتاً خوبی برخوردار

باشد یعنی بر گناهان اصرار نکند و سعی در انجام تکالیف الهی داشته باشد، همراه با حسن خلق، می تواند همسر مناسبی باشد. اگر دینداری او در این حد نباشد، متون اسلامی ازدواج با این گونه افراد را با عنوان فاسق مطلوب نمی داند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴ ص ۱۹۲). مثلاً ازدواج با شراب‌خوار مناسب نیست (کلینی، ج ۵، ص ۳۴۸)، هر چند منع شرعی ندارد^۱. در این شرایط تصمیم به ازدواج نکردن بهتر است. هر چند چون ازدواج با این فرد منع شرعی ندارد، تعارض حداقلی است. البته در صورت انتخاب این گونه افراد، لازم است همسر از ابتدای ازدواج برای برخورد با ضعف دینداری آنان، برنامه مناسبی همراه با مدارا داشته باشد.

۳. مراجع فردی را برای ازدواج مناسب و همتای خود می داند، ولی یکی از والدین یا هر دو با ازدواج او مخالفت می کنند و او نتوانسته است آنان را قانع کند و حتی مادر می گوید اصلاً از تو راضی نیستم یا پدر می گوید از ارث محروم می کنم یا اصلاً حمایتی از تو نمی کنم.

حل: در نگاه ادیان الهی به ویژه اسلام، احترام و مدارا با والدین بسیار سفارش شده و کمترین بی احترامی به آنان (بقره، ۸۳، نساء، ۳۶، انعام، ۱۵۱ و اسراء، ۲۳)، به ویژه مادر نهی شده است (لقمان، ۱۴ و احقاف، ۱۵). با این وجود، در بحث ازدواج به

۱. امام خمینی، آیت الله نوری، آیت الله مکارم و آیت الله فاضل، العروة الوثقی، ج ۲ م ۷؛ آیت الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۳ م ۱۲۹۸؛ آیت الله تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲ م ۲۹۸؛ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲ م ۲؛ آیت الله صافی، هدایة العباد، ج ۲ م ۴ و دفتر: آیت الله بهجت و آیت الله خامنه ای.

فرزند پسر اختیار داده شده است و والدین بر ازدواج پسر پس از بلوغ ولایتی ندارند و حتی به پسران توصیه شده است که در چالش بین گزینه مورد تمایل خود و گزینه مورد تمایل والدین، میل و رغبت خود را ترجیح دهند و به میل والدین در این مورد عمل نکنند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۷). دختر نیز با وجود آن که اجازه پدر در ازدواج او شرط است، اگر مردی را همسان خود تشخیص دهد، می‌تواند با حکم دادگاه و بدون اجازه پدر با او ازدواج کند (ماده ۱۰۴۳، قانون اصلاح موادی از قانون مدنی، ۱۳۷۰/۹/۱۱، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۱۱/۱۲). البته تنش‌ها و مشکلاتی که از مخالفت والدین پدید می‌آید، نیازمند صبر، تحمل و برخورد محترمانه با والدین به‌ویژه مادر است، زیرا مادران در مورد ازدواج فرزندان بیشتر حساسیت دارند. در این مسیر اولین اقدام، تلاش برای قانع کردن والدین است. در صورت نتیجه‌بخش نبودن این اقدام و ادامه مخالفت شدید والدین، فرد به کمک مشاور دو طرف انتخاب را ارزیابی کند، به این صورت که مزایا و آسیب‌های این ازدواج و ترک آن را بسنجد. اگر به این نتیجه رسید که این ازدواج برایش مزایای بیشتر و آسیب کمتر دارد، به آن اقدام کند (اصل خودمختاری). البته برخورد مناسب با والدین او را در رسیدن به اهدافش کمک می‌کند.

۴. زنی تصمیم دارد همسر دوم مردی شود. در این صورت اطلاع دادن به همسر اول لازم است؟ از آنجا که از نظر قانونی ازدواج با مرد همسر دار ممنوع است، آیا مشاور وظیفه دارد به زن اول یا مراکز قانونی اطلاع دهد؟

حل: در قانون مدنی ایران، برای ازدواج با مرد همسر دار نه تنها آگاهی همسر اول

بلکه رضایت او شرط است (ماده ۱۶، قانون حمایت از خانواده). بنابراین بهتر است ازدواج با مرد همسر دار با آگاهی و رضایت همسر اول صورت گیرد. البته از نگاه اسلام و فقه شرعی، چنین شرطی وجود ندارد (نساء، ۴ و طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲ ص ۷۹۷)، ولی برای پیشگیری از مشکلات قانونی آینده و اختلافات بعدی، خانم مراجع به دنبال طی مسیر قانونی باشد. این چالش حداکثری است، زیرا در فرهنگ جامعه ایران، بسیاری از مردان و زنان با دست‌آویز قرار دادن قوانین شرعی به دنبال ازدواج‌های موقت و حتی دائم هستند و مشاور را در چالش اختلاف شرع و قانون قرار می‌دهند. حل این چالش به رعایت شرایط قانونی تعدد زوجات است (نظام نامه اخلاقی روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، بند ۱۰-۲). در هر صورت به نظر می‌رسد خط قرمز ازدواج دوم با یک مرد، حفظ زندگی زناشویی اول اوست، در غیر صورت بنای یک خانواده با تخریب خانواده دیگر، عواقب منفی شدید برای هر دو خانواده دارد. ضمناً مشاور وظیفه ندارد به همسر اول خبر دهد و این از موارد جواز نقض رازداری نیست.

هفتم. چالش‌های اخلاقی در مشاوره زوجی

چالش‌های اخلاقی روابط زوجین در زندگی مشترک، بسیار است و چون حق دو نفر در میان است، حل آن برای مشاور از نظر اخلاقی دشوارتر است. برخی از این چالش‌ها چالش مربوط به رابطه با خانواده خود و همسر است (سالاری فر و قنبری، ۱۳۹۸). برخی چالش‌های مربوط به تعارض بین منافع فردی و خانوادگی است. گاه پیشرفت فرد پس از ازدواج با ایفای وظایف خانوادگی در تعارض قرار می‌گیرد و

ناتوان از حل این تعارض، از مشاور کمک می‌خواهد.

هشتم. چالش‌های مرتبط با خیانت

۱. خانمی به مشاوره خبر می‌دهد که فرزندش به طور قطع محصول روابط نامشروع است. عذاب وجدان دارد ولی اگر به شوهرش بگوید آبرویش خواهد رفت و زندگی مشترک‌شان فرو می‌پاشد.

حل: از مجموع نظرات فقهی، به دست می‌آید اعلام این واقعیت به شوهر لازم نیست (امام خمینی، مسئله ۱۱۰۶۷-۶۸) و سودی ندارد، بلکه آسیب‌های شدید به همراه دارد. بنابراین لازم است مشاور؛ زن را راهنمایی کند که جنبه الهی این اشتباه بزرگ را جبران کند و با توبه به درگاه خدا، از خداوند تقاضای بخشش کند. مشاور با ترغیب انجام درست توبه، و تاکید بر بخشش گسترده خداوند (زمر، ۵۳)، احساس گناه افراطی و ناامیدکننده زن را کاهش دهد.

۲. مشاور در روند درمان خبردار می‌شود مراجع روابط فرازنشویی زیادی دارد و همسرش به وفاداری او مطمئن است. زندگی مشترک در خطر پیامدهای ناگوار روابط فرازنشویی مراجع است و همسرش بی‌خبر و صادقانه به انجام وظایف می‌پردازد. در اینجا مشاور دچار چالش اخلاقی رازداری یا اصل نیکوکاری است.

حل: وقتی در درمان خیانت، مراجع حاضر نیست روابط فرازنشویی را ترک کند، ادامه درمان بدون تعهد به ترک روابط توصیه نمی‌شود. اگر در این شرایط همسر فرد به ادامه درمان اصرار دارد، این چالش برای مشاور بروز می‌کند که درمان را ادامه دهد و نیز آیا رازداری در این شرایط اخلاقی است؟ از آنجا که رها کردن درمان، زمینه

فروپاشی زندگی زناشویی این زوج است، پیگیری حل مشکل و ادامه درمان لازم است (اصل نیکوکاری). مشاور در روند درمان به غیراخلاقی بودن و غیرقانونی بودن رابطه فرازناشویی تاکید کند تا مراجع به ترک آن راضی شود. در همین شرایط مشاور می تواند بدون افشای راز مراجع، همسرش را از شرایط ویژه زندگی زناشویی آنان آگاه کند و با آموزش مراقبت‌های بیشتر از همسر، از آسیب بیشتر به فرد خیانت دیده پیشگیری کند. در اینجا اگر با ادامه روابط فرازناشویی یک همسر، احتمال فروپاشی زندگی خانوادگی زیاد شود، گاه نقض جزئی رازداری در حدی که فرد را متوجه شرایط کند، اخلاقی به نظر می‌رسد (هاروی، ۱۳۸۸، ص ۴۸۷).

نهم. چالش‌های مربوط به طلاق

۱. فرد با همسر ناسازگاری زندگی می‌کند که در انجام حداقل وظایف خود کوتاهی می‌کند. او تصمیم به طلاق دارد ولی احساس می‌کند ضربات سنگینی به همسرش وارد می‌شود. مشاور تشخیص می‌دهد که طلاق به نفع یک همسر و به ضرر همسر دیگر است یا این طلاق به بروز مشکلات جدی برای فرزندان می‌انجامد. مشاور بین رعایت مصلحت یکی از دو نفر یا فرزندان و آسیب ندیدن آنان مردد شده است.

حل: لازم است مشاور همه مشکلات و پیامدهای ادامه زندگی یا جدایی را برای فرد روشن کند که با آگاهی از پیامدهای هر دو طرف، خودش یکی از دو راه را برگزیند. در این چالش فرد باید بررسی کند که آیا می‌تواند به این مقدار کم از ایفای وظایف زناشویی از طرف همسر، اکتفا کند یا نه؟ اگر او انتظارات خود را با توجه به

آسیبی که همسر در اثر طلاق متحمل می‌شود، کم کند، شاید بتواند با او کنار بیاید. مشاور به او کمک کند که بفهمد در آینده با جدایی می‌تواند به چه مقدار از مزایا برسد که الان از آن محروم است و آیا ضرر زدن به همسر برای رسیدن به این مزایا ارزش دارد یا نه؟ البته اگر زندگی زناشویی به ناسازگاری زیاد برسد، تکلیف فرد روشن است و چون نمی‌تواند به زندگی آرامی برسد، احتمالاً تصمیم به جدایی می‌گیرد. حل مورد دوم به این است که مصلحت فرزندان را در نظر بگیرد و بررسی کند که آیا به خاطر فرزندانش از نیازهای خود می‌تواند بگذرد؟ آیا در این صورت، پس از مدتی آسیب نمی‌بیند یا برای تامین نیازهایش دچار خطا نمی‌شود؟ مشاور باید او را از همه پیامدهای دو طرف تصمیم آگاه کند و گزینه ای پیشنهاد نکند.

۲. زنی قصد طلاق دارد زیرا شوهرش با وجود آن که همه وظایف خانوادگی را به خوبی ایفا می‌کند، به قوانین شرعی و دینی اصلاً پایبند نیست مثلاً نماز نمی‌خواند، واجبات مالی دینی را پرداخت نمی‌کند یا معتاد و شراب‌خوار است. مشاور مذهبی در چنین شرایطی چه توصیه ای داشته باشد؟

حل: از نظر شرعی، ترک واجبات از سوی شوهر، مجوزی برای طلاق نمی‌شود. اعتیاد و شراب‌خواری شوهر نیز همین حکم را دارد، مگر این که زندگی زناشویی مختل شود یا فرد از ایفای وظایفش باز بماند یا به فرزندان آسیب زیاد وارد شود. اگر به این حد نرسد، زن بهتر است با اخلاق نیک و مدارا در کنار همسرش بماند و او را به انجام واجبات و ترک گناهان دعوت کند. باید مشاور در این زمینه فنون و روش‌هایی را به زن بیاموزد که خویش و فرزندان را حفظ کند و بر همسرش تاثیر

مثبت داشته باشد. از آنجا که بیشتر زنان ظرفیت کافی برای مواجهه با چنین شرایط دشواری را ندارند، انتخاب یکی از دو طرف، دشوار است.

دهم. چالش‌های مربوط به مشاوره کودک

۱. مشاوره دادن به کودکی که یکی از خویشان یا دوستان او را به مشاوره آورده است و والدین او صلاحیت اخلاقی ندارند. بنابراین دریافت رضایت از آنان با مشکل روبرو است.

حل: در مشاوره به کودک رضایت قیم قانونی یا ولی او شرط است (نظامنامه اخلاق حرفه‌ای روانشناسی). در شرایطی که ولی کودک از صلاحیت لازم برخوردار نیست، لازم است روند مشاوره به مراجع قانونی اطلاع داده شود.

۲. کودکی توسط پدرش مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته ولی پیگیری قانونی باعث زندانی و مجازات پدر می‌شود و او سرپرست دیگری ندارد یا خانواده از نظر مالی به پدر وابسته است. وظیفه مشاوره کدام است؟ پیگیری از آسیب به کودک یا پیگیری از آسیب مالی به خانواده؟

حل: از آنجا که در این شرایط پیگیری قانونی باعث مجازات پدر می‌شود و با ترک حمایت مالی او، مشکلات خانواده تشدید می‌گردد، باید سعی کرد حتی المقدور مشکل به مراجع قانونی کشیده نشود. بهتر است از طریق مددکار اجتماعی یا به شکل دیگر، پدر به مشاوره ارجاع داده شود و برای ترک رفتار به او اخطار جدی داده شود. در صورتی که رفتار بد ادامه پیدا کرد، مداخلات قانونی با اخطار و تذکر آغاز شود (نظام نامه اخلاقی روان شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، بند ۱۰-۲).

در نهایت اگر مشکل حل نشد، پیشگیری از آسیب بیشتر به کودک و کمک گرفتن از نهادهای خیریه برای حمایت مالی خانواده ترجیح دارد و اخلاقی نیست که کودک در محیط نامساعد پرورش یابد(اصل دفع افسد به فاسد). این از موارد استثناهای رازداری است.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احمدزاده، نوروزعلی، اخلاق حریم خصوصی در مشاوره، اخلاق حریم خصوصی در مشاوره، قم: انتشارات اخلاق و تربیت و مرکز مشاوره اسلامی سماح حوزه های علمیه، ۱۴۰۰.
۳. اکبری، رضا، حل تعارضات اخلاقی بر پایه اخلاق فضیلت، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، پژوهش های فلسفی - کلامی دوره ۸، شماره سوم و چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۸۵-۹۹.
۴. انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الاصول، ۱۳۸۸، قم: مجمع الفکر الاسلامی
۵. امامی راد؛ احمد؛ اخلاق در مشاوره و روان شناسی؛ قم: مرکز نشر المصطفی ﷺ؛ ۱۳۹۵.
۶. اسلامی، محمد تقی، احمد دبیری و مهدی علیزاده، (۱۳۸۸). اخلاق کاربردی، چالش ها و کاوش های نوین در اخلاق کاربردی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. آخوند خراسانی، محمد کاظم ابن حسین، کفایه الاصول، تحقیق عباسعلی الزارعی ۱۴۲۷، قم: موسسه نشر اسلامی
۸. آرین فر، نیره و رویا رسولی، مدل معادلات ساختاری پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سلامت خانواده اصلی و متغیر میانجی ابعاد عشق، مطالعات زن و خانواده، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء (ع)، دوره ۷ شماره ۱ بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۳۹-۱۵۷.
۹. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم - تهران، چاپ: چهارم، ۱۳۶۶ ش.
۱۰. بنی فاطمه، حسین، محمد عباس زاده و زهرا رحیمی، مطالعه نقش مداخله گرایانه رضایت جنسی در تأثیرگذاری عشق ورزی بر رضایت زناشویی، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۳، شماره ۳، بهار ۹۸، صفحات ۲۸-۱.
۱۱. بوسلیکی حسن. تعارض اخلاقی و دانش اصول فقه - بازخوانی ظرفیت های اصول فقه در حل تعارضات اخلاقی. چاپ اول. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.

۱۲. بهرامی، محسن و احد فرامرز قراملکی، «تحلیل مفهومی تعارضات اخلاقی» اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۱.
۱۳. خزاعی، زهرا، انسیه مدنی و دیگران (۱۳۸۹). جستارهایی در اخلاق کاربردی، قم: دانشگاه قم.
۱۴. خمینی، روح الله، استفتائات امام خمینی (ره)، ج. ۹ مسئله ۱۱۰۶۷. ۲۲-۸-۱۳۹۹. http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_
۱۵. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، قم: دارالعلم، ۱۳۸۰.
۱۶. خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۸. حسینیان، سیمین، (۱۳۸۵). اخلاق در مشاوره و روان شناسی، تهران، کمال.
۱۹. رضوانی، علی، شاخصهای تقدیم اهم بر مهم در تراجمهای اخلاقی، معرفت اخلاقی، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۸-۵.
۲۰. سالاری فر؛ محمد رضا و عادل قنبری، چالشهای اخلاقی همسران خانوادههای مذهبی در روابط متقابل فامیلی، فصلنامه اخلاق، دوره ۱۴، شماره ۳۲. ۱۳۹۸.
۲۱. شریعتی نسب، صادق، «محرمیت در فرزندخواندگی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۱۷ شماره ۶۷، پاییز ۱۳۹۳، ص ۲۲۷.
۲۲. شعبانی، زهرا، فراتحلیل تحول اخلاقی در تحقیقات انجام شده طی سال های ۱۳۶۵-۱۳۸۸، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۲، صص ۸۱-۴۲.
۲۳. صافی، لطف الله، هدایة العباد، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۶ق.
۲۴. صانعی، مجمع المسائل، ج ۲، قم: میثم تمار ۱۳۸۶.
۲۵. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، العروه الوثقی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۶. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق - قم، چاپ: چهارم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش.
۲۷. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۹.

۲۸. علی آبادی، عبدالصمد و رضا اسفندیاری (اسلامی)، واکاوی قاعده دفع افسد به فاسد از دیدگاه مذاهب فقهی، پژوهش نامه مذاهب اسلامی، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۹-۳۲).

۲۹. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.

۳۰. قراملکی، احد فرامرز، اخلاق حرفه ای، تهران: نشر احد فرامرز قراملکی ۱۳۹۳.

۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). الکافی (الإسلامية)، ۸ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.

۳۲. کیانی، اردشیر، اخلاق حرفه ای مشاوران، تهران: وراي دانش، ۱۳۹۱.

۳۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

۳۴. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، دو جلد، قم: دانش اسلامی ۱۴۰۵ ق.

۳۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۶، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی ۱۴۱۲ ق.

۳۶. نعمتی، زینب و بیتا نصراللهی، پیش بینی سازگاری زناشویی براساس رشد اخلاقی، «زن و مطالعات خانواده»، سال دهم شماره سی و نهم بهار ۱۳۹۷، ص ص: ۱۵۵-۱۶۵.

۳۷. نظام نامه اخلاقی سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶) قابل دسترس در این آدرس: <http://acpsy.ir/service/nezam.pdf>.

۳۸. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق.

۳۹. وحید خراسانی، حسین، منهاج الصالحین، ج ۳، چ ۵، قم: مدرسه امام باقر علیه السلام، ۱۴۲۸ ق.

۴۰. هاروی، مایکل (۱۳۸۸) کتاب جامع زوج درمانی / مترجمین خدابخش احمدی، زهرا اخوی، علی اکبر رحیمی. - تهران: دانژه.

۴۱. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، قانون اصلاح موادی از قانون مدنی، ۱۳۷۰/۹/۱۱، ۱۲/۱۱/۹۹. در سایت این مرکز:

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91969>

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/97187> قانون حمایت از خانواده

- عمل-ترمیم-بیکارت،-از-نگاه-شرع-<https://www.porseman.com/article/>-قانون/۱۵۳۹۴۶-27-7-1399
42. American Counseling Association.(1995). Code of ethics standards of practice : VA: ACA.
 43. Herlihy, Barbara and Gerald Corey(2015). Boundary issues in counseling: multiple roles and responsibilities. American Counseling Association. 5999 Stevenson Avenue • Alexandria, VA 22304.
 44. Kitchener, Karen S. (2000). Foundations of ethical practice, research, and teaching in psychology. New Jersey. Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
 45. LaFollette, Hugh, The International Encyclopedia of Ethics. Wiley-Blackwell (2013).
 46. Pope, K. S., & Vetter, V. A. (1992). Ethical dilemmas encountered by members of the American Psychological Association: A national survey.
 47. American Psychologist, 47, 397-411.
 48. Yalom, I. D. (1997). Lying on the couch: A novel. New York, NY: Perennial .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی